



برساخت هویت زنانه در گفتمان نواندیشی دینی

مریم حایک^۱، علیرضا آقا حسینی^۲

چکیده:

در دهه دوم استقرار نظام جمهوری اسلامی، جریان «نواندیشی دینی» ظهور یافت و هویت زنانه متفاوتی را در برابر هویت زنانه گفتمان انقلاب ایجاد کرد. نواندیشان در طی سه دهه تلاش‌هایی را برای واسازی هویت زنانه گفتمان هژمون انقلاب اسلامی و مفصل‌بندی هویت نوین زنانه انجام دادند. در نتیجه تلاش‌های این جریان در جهت مفصل‌بندی هویت نوین زنانه، مطالباتی نوین از سوی زنان شکل گرفت و منجر به ایجاد چالش‌هایی در برابر هویت زنانه گفتمان انقلاب شد. این مقاله با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان لاکلائو و موفه به تحلیل عملکرد وابستگان گفتمان نواندیشی دینی در واسازی هویت زنانه گفتمان انقلاب اسلامی و برساخت هویت زنانه گفتمان نواندیشی پرداخته است. گفتمان نواندیشی دینی تلاش نمود با عناوین «ظلم به زنان»، «قید و بندهای ناعادلانه»، «اسطوره‌ای بودن»، «تفاسیر مردسالارانه از دین» و به ویژه «زن را در حاشیه قرار دادن» هویت زنانه گفتمان انقلاب را واسازی کرده و با ایدئولوژی‌سازی و تولید معنا نقص هویتی خود را رفع نموده و معنای خود را هر چند موقت بر گفتمان انقلاب اسلامی برتری دهد. عملکرد غیرزبانی وابستگان این گفتمان در جهت مفصل‌بندی هویت زنانه در دامنه‌ای وسیع صورت گرفته است. طرح مطالبات نوین زنان در سطح جامعه به ویژه در رابطه با سه موضوع حجاب و نوع پوشش، خوانندگی و دوچرخه‌سواری زنان در فضای عمومی، از جمله عملکردهای غیرزبانی گفتمان نواندیشی در جهت مفصل‌بندی هویت زنانه می‌باشد.

واژگان اصلی: تحلیل گفتمان، مطالبات نوین زنان، نواندیشی دینی، هویت زنانه.

۱. دانش آموخته دکتری دانشگاه اصفهان. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه تربیت حیدریه، تربت حیدریه، خراسان رضوی، ایران

hayek@torbath.ac.ir

(نویسنده مسئول)

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظم گفتمانی «هویت زنانه» بر ساخته در گفتمان انقلاب که بر محور دال مرکزی «عفت و دینداری» شکل گرفته بود، به مدت یک دهه موفق به بسط موقت معنایی خود شد. با آغاز دهه دوم استقرار نظام جمهوری اسلامی، مجموعه‌ای از تحولات داخلی و فراملی، هویت زنانه بر ساخته در گفتمان انقلاب اسلامی را به چالش کشید و فضای پرتنشی را در بین گفتمان انقلاب اسلامی و جریان غیردینی مدافع حقوق زنان ایجاد کرد. همزمان با آخرین سال‌های این دهه، فرا رسیدن موج سوم مدرنیته به عنوان موجی که مهمترین خصلت آن نسیت‌گرایی و ضدیت با هرگونه مرکزیت تعیین کننده متافیزیکی بود، درک انسان از خود، پدیده‌ها و مناسبات را متحول کرد و متأثر از این فضا، گفتمان نواندیشی دینی که از نحل‌های فکری تأثیرگذار سده اخیر ایران است در ایران ظهور یافت. در چارچوب گفتمان نواندیشی دینی، زن ایرانی به درک جدیدی از هویت زنانه خود دست یافت و مطالبات نوینی مطرح کرد. این مطالبات که تغییر در برخی از قوانین فقه اسلامی مربوط به زنان از جمله سنگسار، دیه، اذن پدر برای ازدواج دختران رشیده، اذن همسر برای خروج زن از کشور تا برخی مسائل اجتماعی همچون تک‌خوانی زنان، حجاب اختیاری، دوچرخه‌سواری و موتورسواری زنان در فضای عمومی و ده‌ها مساله دیگر از این نوع را شامل می‌شود حاکی از نزاعی جدی در بین گفتمان‌های انقلاب اسلامی و نواندیشی دینی است.

تلاش گفتمان نواندیشی دینی در واسازی هویت زنانه گفتمان انقلاب اسلامی و گسترش هویت زنانه مورد تایید خود، موضوعی است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود. به این منظور نخست به تشریح مبانی فکری گفتمان نواندیشی دینی می‌پردازیم و در گام دوم هویت زنانه این گفتمان و دال‌های آن را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم. در نهایت به منظور درک تلاش گفتمانی نواندیشی دینی، سخنان و عملکرد وابستگان به این گفتمان را در رابطه با سه مطالبه نوین زنان ایران در سال‌های اخیر که عبارتند از حجاب اختیاری، رفع ممنوعیت خوانندگی زنان، رفع ممنوعیت دوچرخه سواری و موتور سواری زنان در فضاهای عمومی تحلیل می‌کنیم.

شایان ذکر است توجه به مطالبات نوین زنان ایران و تحلیل عملکرد گفتمانی نواندیشی دینی در راستای مفصل‌زدایی هویت زنانه گفتمان انقلاب اسلامی بر محور دال مرکزی «عفت و دینداری» از ابعاد نوآورانه این پژوهش می‌باشد که تاکنون به عنوان مساله پژوهش مورد توجه محققان قرار نگرفته است.

تحلیل گفتمان یکی از انواع روش‌های کیفی در مباحث روش‌شناسی مکاتب تفسیرگرا و هرمنوتیک محسوب می‌شود. در این روش، تحلیل‌گر می‌کوشد یک گفتار را با کاربرد اجتماعی و مضمون معنایی‌اش تفسیر کند. بر این اساس در روش تحلیل گفتمان، بحث اصلی واکاوی زمینه‌های هویتی مستقر در جامعه از طریق فهم ساز و کارهای چگونگی تثبیت انگاره‌ها و معانی برپایه منطق درونی یک گفتمان است (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵: ۱۹۰-۱۹۱). روش تحلیل گفتمان برخلاف روش تحلیل‌های سنتی زبان-شناسانه که صرفاً با عناصر تشکیل دهنده جمله سر و کار دارند، با عوامل بیرون از متن یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ارتباطی و غیره سرو کار دارد (شیرازی رومنان، ۱۳۸۷: ۷۲).

فهم نظریه گفتمان بدون فهم غیریت ناممکن است. گفتمان‌ها اساساً در ضدیت با یکدیگر شکل می‌گیرند و هویت‌یابی آنها در تعارض با گفتمان‌های دیگر انجام می‌شود (کوثری و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۳۱). در فضای تقابل گفتمانی، عملکرد هویت‌هایی که توان قرار گرفتن در ساحت هژمونی حاکم را ندارند و در حاشیه مرزهای غیریت تلاش می‌کنند گفتمان هژمون را به چالش بکشند، بیانگر این است که ساختار گفتمانی در بخشی از موجودیت خود همواره دچار گسیختگی است (Laclau, 1990: 30-40). افزون بر این سوژه‌های فعال شده در مرزهای غیریت، برای جبران فقر و ناتوانی خویش، تلاش می‌کنند با انتقام از سوژه‌های حاکم، پرچم‌دار آزادی و رهایی شوند (Howarth, 2013: 116).

یکی از نظریه‌های گفتمان که به وسیله آن نظام‌های معنایی در جامعه و سیاست در یک مقطع تاریخی ارزیابی می‌شوند و موضوع تضاد و تقابل گفتمانی در چارچوب آن اهمیت می‌یابد، تحلیل گفتمان لاکلائو و موفه است. لاکلائو و موفه معتقدند هیچ گفتمانی یک موجود بسته نیست و هیچ چیز بنیادینی وجود ندارد که به بقیه پدیده‌ها معنا و هویت ببخشد بلکه هویت هر چیز دائماً از طریق تماس با گفتمان-های دیگر و صرفاً در شبکه‌ای از هویت‌های دیگر که با یکدیگر مفصل‌بندی شده‌اند پدید می‌آید (Jorgensen & Phillips, 2002: 6). از نظر آنها گفتمان محدود به گزاره‌های زبانی نیست بلکه هر امر و پدیده غیرزبانی ممکن است به یک پدیده گفتمانی تبدیل گردد (Tabatabai Fatemi, 2014: 1286). به عبارتی اعمال و پدیده‌ها برای معنادار شدن باید گفتمانی باشند و زمانی قابل فهم می‌شوند که در چارچوب گفتمانی خاص قرار بگیرند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۶). ویژگی گفتمان لاکلائو و موفه این است که آنها گفتمان را به عنوان یک نظریه عمومی که از طریق آن همه جنبه‌های جامعه و

سیاست قابل درک می‌باشد مطرح کرده‌اند (Thomassen, 2016: 163).

یکی از جنبه‌های مهم تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه اثر پذیری آنها از موضوع شالوده‌شکنی مورد اشاره دریدا است. دریدا معتقد بود با بهره‌گیری از شالوده‌شکنی، وحدت، تعیین‌کنندگی یکجانبه و خودبنیایی در معرض پرسش قرار می‌گیرد و در ادامه با فروپاشی تعیین‌کنندگی، ساحت گفتمان ظهور پیدا می‌کند. به عبارتی از لحظه‌ای که به غیریت‌های سرکوب شده، امکان خوداظهاری داده می‌شود از همان لحظه گفتمان خود را نشان می‌دهد. با باز شدن پای موثر غیریت به فضای مشترک حضور، بازی آغاز می‌شود. گاهی متمم و غیریت اصالت می‌یابد و لباس مشروعیت به تن می‌کند و گاهی مشروعیت غیریت می‌شود. با الهام از شالوده شکنی، لاکلاو و موفه استراتژی خود را بر بنیاد روابط میان عناصر اجتماعی متعارض می‌گذارند. آنها در پرتو نگاه دریدایی، حاصل این روابط را پدیدار شدن هویت‌ها در عرصه گفتمان به حساب می‌آورند (آقا حسینی، ۱۳۹۹، ۳۷-۴۴).

در پژوهش پیش رو تلاش شده تا با الهام از تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه که البته ریشه در سنت شالوده‌شکنی دریدا دارد نشان داده شود که چگونه گفتمان نواندیشی دینی به عنوان یک غیریت، با تثبیت معنا برای دو مفهوم آزادی و برابری در هویت زنانه، آرام آرام از حاشیه گفتمان هژمون انقلاب اسلامی به ساحت تصمیم وارد شده و مفصل‌بندی جدیدی را از هویت زن ایرانی ارائه داده است.

پیشینه تجریمی

سجاد عادلیان توس (۲۰۲۴) در پژوهش «مدیریت دین و تغییرات مذهبی در ایران: تحلیلی اجتماعی-حقوقی» با اشاره غیرمستقیم به تلاش‌های گفتمان نواندیشی دینی در ایران مطرح می‌کند که علاقه ایرانیان به جنبش‌های دینی جدیدی که با ایده‌های غربی هماهنگی زیادی دارد موجب از دست دادن تعهد ایرانیان مسلمان به برخی از آموزه‌ها و اعمال اسلامی شده و این امر نگرانی قابل توجهی برای نهادهای مذهبی و نظام سیاسی ایران ایجاد کرده است.

حایک و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «تعارض هویت زنانه گفتمان‌های انقلاب اسلامی و نواندیشی دینی: مساله یا جنبش اجتماعی؟» توضیح داده‌اند که بر اساس زمانمندی گفتمانی، تعارض هویت زنانه گفتمان‌های انقلاب اسلامی و نواندیشی دینی در مسیر تبدیل شدن به جنبش اجتماعی است و انتقال‌گرایی گفتمانی را به مثابه پاسخی به شرایط نوین پیشنهاد داده‌اند.

سلیمی و کاظمی (۱۴۰۰) در مقاله «گفتمان‌ها و روایت‌های خط مشی‌گذاری عدالت جنسیتی در ایران واکاوی علل و جهات تکثر برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها»، نشان داده‌اند که وجود رویکردهای سیاسی

متفاوت متأثر از گفتمان‌های انقلاب اسلامی و نواندیشی دینی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی، سبب اتخاذ رویکردهای متکثر و متعارض در بحث عدالت جنسیتی شده است.

طاهری دمنه و حیدری دارانی (۱۳۹۸) در مقاله «زنان و دگرگونی‌های آینده؛ تحلیلی بر تصاویر ذهنی دختران متولد دهه ۱۳۷۰ از آینده» کشف کلان روایت‌های شکل دهنده به تصاویر آینده در ذهن دختران را هدف قرار داده و نتیجه گرفته‌اند که تصاویر ذهنی دختران ایرانی در آینده به گفتمان نواندیشی دینی نزدیک خواهد بود.

ریدگئون (۲۰۱۹) در مقاله «احمد قابل، دلیلی برای باور کردن و تفکر دینی نوین در ایران» نقش احمد قابل را در جنبش موسوم به «تفکر دینی جدید» در ایران بررسی می‌کند. نویسنده مقاله معتقد است رویکرد عقل‌محور قابل، نشان دهنده تلاشی برای حرکت در مسیری مبتنی بر منابع درون سنت فقه اسلامی به سمت استانداردهای جهانی رایج در غرب است و از این طریق از اتهامات فرسایش فرهنگی از طریق وام‌گیری فکری از غرب جلوگیری می‌کند.

«بررسی جریان‌های فکری فرهنگی موثر بر مطالبات حقوقی زنان در ایران پس از انقلاب اسلامی» عنوان مقاله‌ای است که باقری و سلیمی (۱۳۹۳) در آن به تبیین رابطه جریان‌های فکری فرهنگی ایران با حقوق زنان پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که موضع‌گیری دو رویکرد کلی «دینی» و «غیردینی» شکل دهنده مطالبات حقوقی زنان بوده است.

در مجموع از سیاق مطالعات فوق چنین بر می‌آید که بیشتر مطالعات این حوزه، ناظر بر تأثیر گفتمان نواندیشی دینی بر مسائل زنان است اما تحلیل چگونگی عملکرد گفتمانی نواندیشی در راستای برساخت هویت زنانه از طریق مطالبات نوین زنان ایران در طی دو دهه اخیر، از ابعاد نوآورانه این پژوهش می‌باشد که تاکنون به عنوان مساله پژوهش مورد توجه محققان قرار نگرفته است.

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد پژوهش کیفی و راهبرد پژوهش، تحلیل گفتمان با تأکید بر رهیافت لاکلاو و موفه است. برای تحلیل عملکرد گفتمان نواندیشی دینی بر اساس نظریه لاکلاو و موفه، سخنان و عملکرد وابستگان به گفتمان نواندیشی دینی به مثابه یک غیر یا گفتمانی که درصدد هم‌مونیک کردن معنای خود است درک می‌شود. برای تحلیل مبتنی بر روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه ضرورت دارد که تحلیل‌گر درک عمیقی نسبت به موضوع داشته باشد تا بتواند صورت‌بندی‌های گفتمانی را درک کرده و دال‌های آن را کشف کند (کوثری و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۳۳) بر این اساس در تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه، تحلیل‌گر از

قدرت مانور و ابتکار عمل بیشتری برخوردار است.

در تحلیل گفتمان نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام می‌شود. در نمونه‌گیری هدفمند، محقق بر مبنای نظر خود، از میان مجموعه‌ای که در اختیار دارد نمونه‌هایی را انتخاب می‌کند که با هدف پژوهش مورد نظر بیشترین سازگاری را داشته باشد (حسینی پاکدهی و زردار، ۱۳۹۰: ۱۰۸). در این پژوهش نیز برای جمع‌آوری داده‌ها، محقق به صورت هدفمند از منابع موجود که شامل متن مقالات، کتاب‌ها و سخنرانی‌های ارائه شده توسط صاحب‌نظران نواندیشی دینی بود تعدادی را که با هدف پژوهش بیشترین سازگاری را داشت و مبنای فکری این گفتمان و دال مرکزی آن را که در حکم یک گره‌گاه است و دیگر نشانه‌ها حول محور آن نظم و توالی می‌یابند انتخاب کرد. سپس دال‌های شناوری که نواندیشی دینی می‌کوشد به آنها معنا دهد و بر مبنای نظام معنایی خود، مدلول سازگار با نظام معنایی خود را برجسته سازد و مدلول‌های متناسب به گفتمان انقلاب اسلامی را به حاشیه می‌راند شناسایی شد.

با توجه به اینکه از دیدگاه لاکلاو و موفه، گفتمان پیکره نظام‌مندی است که به همه چیز در چارچوبی از نظام معانی، مفهوم می‌بخشد و دامنه آن فقط به معنابخشی محدود نمی‌شود بلکه سلسله‌ای از اعمال خاص را ایجاب می‌کند (کسرابی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۰-۳۴۲) به منظور درک تلاش گفتمانی نواندیشی دینی در واسازی هویت زنانه گفتمان انقلاب اسلامی و برساخت هویت زنانه گفتمان نواندیشی، به سخنان و عملکرد وابستگان این گفتمان در رابطه با سه مطالبه نوین زنان ایران در خصوص «حجاب اختیاری»، «رفع ممنوعیت خوانندگی زنان»، «رفع ممنوعیت دوچرخه‌سواری در فضای عمومی» مراجعه شد. سخنان و عملکرد وابستگان گفتمان نواندیشی با عنایت به دال مرکزی و دال‌های مطرح در این گفتمان مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

مبانی فکری گفتمان نواندیشان دینی

موقتی بودن احکام شرع

موقتی بودن احکام شرع نخستین موضوعی بود که نواندیشان به آن پرداختند. تقسیم شئون دین به ذاتی و عرضی و بیان اینکه اساس هر دینی به ذاتی‌اش است و نه به عرضی‌اش، پایه‌ای برای طرح موضوع موقتی بودن احکام شرع گردید. بر اساس این تقسیم‌بندی، ذات دین، تحقق یافتن دین در وجود آدمی است (سروش، ۱۳۷۷: ۵) و نمود بیرونی این تحول درونی، ارزش‌های اخلاقی است که به کمال انسان

متهی می‌گردد(سروش، ۱۳۷۸ الف: ۳۲) اما امور عرضی دین اسلام که شامل مواردی همچون حوادث تاریخی و احکام فقه و شرایع دینی می‌باشند، تغییرپذیرند و از اصالت محلی و دوره‌ای برخوردار هستند(سروش، ۱۳۷۷: ۴-۵) بنابراین هدف از دین، حفظ اخلاق در جامعه انسانی بوده است، لذا کلیه قوانین فقهی و حقوقی در حکم پوسته دین می‌باشند و اگر زمانی نتوانند به حفظ اخلاق در جامعه کمک کنند می‌بایست تغییر کنند. به عبارتی مقررات فقهی و حقوقی اسلام مقطعی و متکی به شرایط زمانه است(سروش، ۱۳۷۸ الف: ۳۲-۳۳).

نوآندیشان با استناد به آنچه در زمان پیامبر اکرم(ص) انجام شد، دلیل ورود اسلام به حوزه روابط حقوقی خانواده، حکومت و مانند اینها را از میان برداشتن مانع‌هایی می‌دانند که بر سر راه سلوک توحیدی انسان‌ها وجود داشت. بنابراین در هر عصر قوانین و نهادها می‌بایست با این معیار که درجه سازگاری آنها با امکان سلوک توحیدی مردم چه اندازه است مورد بررسی قرار گیرند و احکام اسلامی که مانع سلوک توحیدی انسان‌ها هستند، تغییر یابند(شبستری، ۱۳۷۴: ۲۹۷-۲۹۹).

اجتهاد در مبانی

نوآندیشان تنها راه حل برای پاسخگویی دین اسلام به نیازهای جدید را اجتهاد در اصول به جای اجتهاد در فروع دانستند و از ضرورت تجدیدنظر در پیش‌فرض‌های فقه سخن گفتند(سروش، ۱۳۷۸ ب: ۱۷). این اندیشه از دو مبنای خاص تغذیه می‌گردید. نخست اینکه به اعتقاد آنها نظام تشریح شده از جانب خداوند مقید به قید «در شرایط معین» است و لذا با تغییر آن شرایط، شکل آن احکام نیز دستخوش تحول می‌شود. دومین مبنای اجتهاد در مبانی، به امر عرضی بودن فقه باز می‌گردد. فقه، علمی دنیوی است که برای استقرار نظم در جامعه دینی بوجود آمده و لذا مقید به شرایط است(علوی‌تبار، ۱۳۸۲: ۴۰-۳۹). از نگاه آنان مدیریت فقهی، درخور جوامع ساده و مدیریت علمی، درخور جوامع پیچیده است و جهان امروز بیش از آنکه به فقه نیاز داشته باشد به علم‌گرایی و خرد ابزاری نیازمند است(سروش، ۱۳۳۸: ۳۹-۳۸).

حق‌مداری به جای تکلیف‌گرایی

نوآندیشی دینی با مطرح کردن حق‌مداری در برابر تکلیف‌گرایی، جهان جدید را جهانی می‌داند که در آن انسان‌ها بیش از آنکه دنبال فهم تکالیف خود باشند در پی کشف حقوق خود هستند. آنها معتقدند که علم فقه به دلیل آنکه علمی تکلیف‌مدار است نه حق‌مدار، در تقابل با دنیای جدید قرار دارد و لذا انسان‌ها با دین اسلامی که بر اساس علم فقه، عمل می‌کند نمی‌توانند ارتباط برقرار کنند(سروش، ۱۳۷۶: ۴۳۱).

نسبی بودن عدالت

به باور نواندیشان مفهوم عدالت و تفسیری که از آن ارائه می‌شود نسبی و در هر عصری متفاوت است. از این رو، هم چنان که پیامبر اکرم(ص) از ظلم زمانه به سوی عدل زمانه حرکت کردند وظیفه اندیشمندان اسلامی است که احکام اسلامی را با تفسیر عدالت در هر عصر هماهنگ سازند(شبستری، ۱۳۷۹: ۵۱۰-۵۰۹). در مجموع دیدگاه‌های نواندیشان دینی که از گرایش‌های غیرفقهی برخوردار بودند، منجر به نسبی دانستن دین، توجه به عصری بودن پیام آن و صحبت از ضرورت تغییر احکام دین به تناسب زمان شد.

هویت زنانه در گفتمان نواندیشی دینی

ورود جریان نواندیشی دینی به حوزه مسائل زنان اگرچه با تردید انجام گرفت اما از نخستین ماه‌های پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ تاکنون همواره سرمنشاء شکل‌گیری چالش‌های مهم و متعددی بوده است. کلیه مباحث نواندیشان در حوزه مسائل زنان بر محور «عدم قطعیت احکام اجتماعی اسلام» بود. نواندیشان درصدد ارائه فقهی برآمدند که در آن لحاظ نمودن مقتضیات زمان و مکان منجر به تغییراتی بنیادین در احکام زنان می‌گردید. تفاوت مهم نواندیشان با دیگران در «طرز تلقی» و «شیوه نگرش» آنها به دین و انتظاری بود که از دین و به ویژه فقه داشتند. به عبارتی اختلاف در مبادی عام فهم شریعت بود، یعنی در مفروضات کلامی، فلسفی که تاثیر خود را در فهم بسیاری از احکام فرعی نشان داد. از نظر نواندیشان، عمده مباحث مربوط به زنان در متون دینی، انعکاس فرهنگ زمان نزول وحی است و لذا می‌بایست متناسب با شرایط کنونی جوامع تغییر یابد(علوی تبار، ۱۳۷۸: ۳۷-۳۸). در ادامه به توضیح مهمترین دال‌های هویت زنانه گفتمان نواندیشی دینی در ایران می‌پردازیم.

دال‌های هویت زنانه گفتمان نواندیشی دینی

برابری حقوق زنان با مردان

«برابری حقوق زنان با مردان» به عنوان دال شناوری که در هویت زنانه گفتمان‌های مدرنیته و انقلاب اسلامی نیز وجود داشت از نخستین مباحث مطرح شده توسط جریان نواندیشی دینی بود. به اعتقاد نواندیشان علی‌رغم آنکه برابری انسان‌ها به عنوان یک ارزش اخلاقی از ذاتیات دین اسلام می‌باشد(سروش، ۱۳۷۸ الف: ۳۲) بسیاری از حقوق و احکام اسلامی زنان فارغ از انتسابشان به شارع، عادلانه ارزیابی نمی‌شوند(کدیور، ۱۳۸۲: ۵۴) و منشاء این نابرابری‌ها در پیش فهم فقهای دینی از دین می‌باشد(شبستری، ۱۳۷۸: ۱۹-۲۰) در این رابطه نخستین عامل موثر، تفکرات مردسالارانه‌ای است که در میان

مسلمانان وجود دارد و فقهای دین متأثر از این تفکرات، به تفسیر آیات و روایات می‌پردازند (ملکیان، ۱۳۷۹: ۳۳) نکته دیگر آنکه فقهای دین بر مبنای این اعتقاد که نظام روابط زن و مرد، نظامی طبیعی و دائمی است به سراغ دین می‌روند و لذا بر این اساس، احکام دین را همانگونه که در صدر اسلام مطرح شده، بدون کوچکترین تغییر مطرح می‌کنند. به اعتقاد این نواندیشان، صحیح آن است که به قرآن و سنت با دیدی تاریخی مراجعه شود (شبستری، ۱۳۷۸: ۱۹-۲۱) در دیدگاه تاریخی، به آیات قرآن و روایات معصومین (ع) به عنوان پاسخی برای حل مشکلات جامعه زمان ایشان نگاه می‌شود و لذا آنها به عنوان منبع صدور حقوق و احکام زنان جامعه امروز، مورد توجه قرار نمی‌گیرد (کدیور، ۱۳۸۲: ۵۴-۵۶). از نظر نواندیشان، پیامبر اسلام (ص) برای بهبود بخشیدن به وضع زنان، یک روند را آغاز کردند و متناسب با فهم جامعه آن روز از نابرابری‌های شدیدی که در حق زنان روا داشته می‌شد به سمت عدالت درباره زنان حرکت کردند. به عبارتی پیام کلی پیامبر (ص) به مسلمانان، عدم اعمال ظلم در حق زنان است (ملکیان، ۱۳۷۹: ۳۶) و لذا در ادامه روند آغاز شده توسط پیامبر اسلام (ص) در رفع ظلم علیه زنان، می‌بایست احکام و حقوق نابرابر زنان در جامعه ایران تغییر کند.

آزادی از محدودیت‌های تکلیف‌گرایی دینی

اگرچه «آزادی» همچون دال برابری حقوق، دال شناوری است که در هویت زنانه گفتمان‌های مدرنیته و انقلاب اسلامی نیز وجود داشت اما تعریفی که برای دال آزادی در هویت زنانه نواندیشی دینی ارائه شد تعریفی بسیار نامتعارف و چالش‌برانگیز بود. نواندیشان، آزادی زنان را رهایی زنان از محدودیت‌های تکلیف-گرایی دینی تعریف کردند و بر اساس این تعریف بسیاری از احکام فقهی مسائل زنان را باطل دانستند. استدلال نواندیشان در خصوص دال «آزادی از محدودیت‌های تکلیف‌گرایی دینی» مبتنی بر سه گزاره بود. نخست آنکه پیام کلی حرکت پیامبر اسلام (ص) در رابطه با زنان، رهایی آنان از قید و بندهای ناعادلانه نظام‌های بشری بوده، بنابراین دین شناسان می‌بایست هرکجا آزادی زنان در معرض تهدید قرار می‌گیرد، به رفع آن اقدام کنند (شبستری، ۱۳۷۸: ۲۱-۲۲) دوم اینکه انسان عصر جدید بر خلاف انسان گذشته که «انسان مکلف» بود، «انسان محق» است و لذا آنچه برای او اهمیت دارد حق‌مداری است (سروش، ۱۳۷۶: ۴۳۱). بر اساس این روحیه حق‌مداری، عمل به بسیاری از تکالیف دینی برای انسان عصر جدید امکان‌پذیر نیست (سروش، ۱۳۷۸ الف: ۳۴). سومین گزاره، استدلالی بود که آیت‌الله صانعی به عنوان یک مرجع تقلید نواندیش مطرح کردند. ایشان با اعتقاد به اینکه سهولت دین اسلام از مهمترین امتیازات این دین است بیان کردند که فقهای دین می‌بایست به بازنگری در احکام دینی که برای توده مردم

قابل پذیرش نیست، اقدام کنند(خضرحیدری، ۱۳۸۷). بر اساس این گزاره‌های مقدماتی نواندیشان، آزادی زنان از محدودیت‌های تکلیف‌گرایی دینی نه تنها در تضاد با دین اسلام نیست بلکه در راستای حرکت پیامبر اسلام(ص) می‌باشد.

گفتمان نواندیشی دینی و برساخت هویت زنانه

در این بخش تلاش شده تا به منظور درک برساخت هویت زنانه گفتمان نواندیشی دینی، سخنان و عملکرد وابستگان این گفتمان در رابطه با مهمترین مطالبات نوین زنان ایران در سال‌های اخیر که عبارتند از «حجاب اختیاری»، «رفع ممنوعیت خوانندگی زنان»، «رفع ممنوعیت دوچرخه‌سواری زنان در فضاهای عمومی» مورد تحلیل قرار بگیرد.

حجاب اختیاری

از نخستین سال‌های آغاز مبارزات امام خمینی، تاکید امام بر ضدیت کشف حجاب بانوان با تعالیم دین اسلام سبب گشت تا حجاب اسلامی زنان به نمادی برای انقلاب تبدیل شود.

پس از انقلاب، هژمونی انگاره حجاب حداکثری در جامعه ایران تا سال ۱۳۶۲ ادامه داشت. از سال ۱۳۶۲ پدیده‌ای به نام «بدحجابی» ظهور کرد که نظام سیاسی با آن میانه‌ای نداشت(راغبی، ۱۳۸۴: ۱۲۰). این تحرکات با مخالفت افکار عمومی جامعه روبرو گردید و منجر به تصویب قوانینی در حوزه حجاب اسلامی شد اما عملاً هژمونی انگاره حجاب حداکثری در جامعه را خلدشه‌دار ساخت.

در نخستین سال‌های دهه ۷۰، طرح دیدگاه‌هایی مبنی بر «ممکن بودن فهم‌های متفاوت از دین» زمینه‌ای را فراهم ساخت تا دولت سازندگی تفاسیر دینی از حجاب اسلامی را تابع الزامات عقل حکومتی بداند و محدوده عمل بیشتری در نحوه پوشش زنان ایجاد کند. در این زمان صدور فتوایی که به واسطه الزامات تازه سیاسی، شریعت را به سود عقل حکومتی وسعت بخشیده بود، نیز نقش زیادی در رفع موانع تئوریک داشت. در مجموع دولت سازندگی توانست حجاب حداقلی و آزادی در نوع پوشش را هژمون سازد. با مطرح کردن حجاب در ذیل مبحث عقل حکومتی، زمینه‌های چند شکلی نمودن حجاب از سوی دولت فراهم گردید(محسنی ابوالخیری و حاضری، ۱۳۹۸: ۹۰-۹۱) تشکیل در گزاره «چادر تنها شکل حجاب اسلامی» و آزاد شناختن حق زنان در انتخاب بین «چادر» یا «مانتو و روسری» از راهکنش‌های دولت بود: «می‌شود مانتوی گشاد و مقنعه‌ی بزرگ پوشید و باحجاب بود»(هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۰: ۱۷۷). این رویه تا پایان دولت سازندگی ادامه داشت و سبب شد انگاره حجاب حداکثری و حجاب حداقلی در موضعی برابر قرار بگیرند.

با پیروزی اصلاح‌طلبان در خرداد ۱۳۷۶ و تلاش برای هژمونی گفت‌وگو نواندیشی دینی، مساله عدم وجود حجاب اسلامی به عنوان یکی از مصادیق آزادی زنان مطرح گردید و انتخاب نوع پوشش، موضوعی در حوزه زندگی خصوصی افراد معرفی شد. در این دوران انبوهی از مقالات و سخنرانی‌ها تولید شد که اصل حکم حجاب را زیر سؤال برد.

عبدالکریم سروش، حجاب زنان را مساله‌ای آمیخته با اسطوره دانست و با طرح دو موضوع، نخست: اسلام برای زنان برده و غیر مسلمان جامعه اسلامی حکم حجاب قائل نیست، پس حجاب، روح مراد شارع نیست، دوم: فلسفه حجاب حفظ «عفت» به عنوان یک ارزش اخلاقی است و آنچه مهم است حفظ عفت است نه صرف حجاب (سروش، ۱۳۷۸ الف: ۳۳-۳۴) به رد وجود حجاب اسلامی پرداخت. کدیور مطرح کرد که قرآن کریم خواستار رعایت عفاف است و دشوار است که موی سر را از جمله زینت غیر ظاهر به حساب آورده و به قرآن نسبت دهیم (کدیور، ۱۳۹۲). احمد قابل فتوایی مبنی بر عدم وجود پوشش سر و گردن زنان صادر کرد (قابل، ۱۳۸۲) و یوسفی اشکوری مطرح نمود که آیات مربوط به حجاب بر اساس ضرورت عصر پیامبر بوده و با انتفاء موضوع حکم نیز منتفی خواهد شد (یوسفی اشکوری، ۱۳۹۱). این مباحث تئوریک، موضوع مخالفت با الزام حجاب اسلامی را شدت بخشید و منجر به چالش‌های جدی درون جامعه گردید.

در فاصله سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ ایجاد کمپین‌های اعتراضی «آزادی‌های یواشکی» (طالبیان ح و طالبیان س، ۱۳۹۶: ۲۰۶) و «چهارشنبه‌های سفید» در فیس‌بوک توسط یک خبرنگار ضدانقلاب فراری (مسعودی، ۱۳۹۹: ۱۲۶-۱۴۱)، اقدام هماهنگ چند دختر در بر سر چوب بستن روسری خود و ایستادن بر سکوهای واقع در خیابان انقلاب تهران که «دختران خیابان انقلاب» نام گرفتند نخستین اعتراضات سازمان‌دهی شده علیه موضوع حجاب در ایران بود و تلاش می‌کرد با ارسال پیام‌های سنت-شکنا به متن جامعه بر اندیشه زنان جامعه ایران تأثیر بگذارد.

در پی این اقدامات، نواندیشان از جو ایجاد شده در جامعه به عنوان فرصتی برای زمینه‌سازی تحقق دال آزادی از تکلیف‌گرایی دینی استفاده کردند. در مجموع تلاش‌های وابستگان به این گفت‌وگو در به حاشیه راندن دال آزادی زنان بر محور «حفظ عفت و دینداری» در هویت زنانه جامعه ایرانی تا حدودی موفق بوده است اما این مطالبه هنوز به عنوان نشانه‌ای چند معنایی که مفهومش در هویت زنانه زن ایرانی تثبیت نشده است در منازعه با هویت زنانه گفت‌وگو انقلاب اسلامی است.

رفع ممنوعیت خوانندگی زنان

از نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب، ممنوعیت خوانندگی زنان اگرچه در قالب هیچ قانونی مطرح نشد، اما عملاً در زمره قوانین نانوشته قرار گرفت و طی سال‌های گذشته به جز محدود دفعاتی با قوت به آن عمل شده است. نواندیشی دینی بر محور دال آزادی از محدودیت‌های تکلیف‌گرایی دینی، همواره تلاش نموده تا در مقاطع زمانی مختلف، تغییر قانون نانوشته ممنوعیت خوانندگی زنان را به عنوان یکی از مطالبات جدی زنان در ایران برجسته سازد. به ویژه در فاصله سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰، وابستگان به گفتمان نواندیشی با اقداماتی در این زمینه، فضای جامعه را ملتهب ساختند.

اظهارات سخنگوی خانه موسیقی در مهر ۱۳۹۲ درباره لزوم آزاد شدن خوانندگی زنان (دانشجویان ایران، ۱۳۹۲)، اجرای کنسرت تک‌خوانی یک زن برای نخستین بار در آبان ۱۳۹۲ و مرداد ۱۳۹۳ و انتشار فیلم تک‌خوانی وی (دانشجو، ۱۳۹۳)، انتشار قطعه‌ای با صدای خواننده‌ای زن در فضای مجازی توسط عضو شورای شهر تهران و احضار وی به دادسرای ارشاد در اردیبهشت ۱۳۹۸ (نامجو، ۱۳۹۹)، سخنان «فاضل میبدی» در خصوص اینکه در منابع فقهی دلیلی برای حرام بودن تک‌خوانی زنان پیدا نکرده است (فاضل میبدی، ۱۳۹۹) و اظهار نظر هادی قابل درباره اینکه در قرآن دلیل متقنی در باب حرمت آواز خواندن زنان وجود ندارد (قابل، ۱۳۹۹) برخی از اقدامات انجام شده در این رابطه بود. در مجموع موضوع خوانندگی زنان و اقدامات نواندیشان بر سر این موضوع تاکنون محور تنش‌های زیادی در جامعه شده است اما به نظر می‌رسد هنوز جامعه زنان در رابطه با آن مطالبات جدی ندارد.

دوچرخه سواری زنان در فضای عمومی

موضوع دوچرخه‌سواری زنان در فضای عمومی در نخستین سال‌های دهه هفتاد در ذیل موضوع آزادی از محدودیت‌های اجتماعی زنان توسط فعالان جریان نواندیشی دینی مطرح شد.

نخستین بار موضوع دوچرخه‌سواری زنان در سال ۱۳۷۱ توسط رییس وقت ورزش بانوان مطرح شد. در این زمینه از ضرورت فرهنگ سازی برای فراهم آوردن امکان این فعالیت برای زنان به عنوان یک وسیله حمل و نقل شهری سخن گفته شد (شیرافکن، ۱۳۹۲: ۱۴). پس از آن تقریباً این موضوع تا پایان دولت هشتم اصلاحات مسکوت ماند.

طرح دوباره مباحث دوچرخه‌سواری زنان از سال ۱۳۸۵ در دولت نهم آغاز شد. برگزاری اولین دوره مسابقات دوچرخه‌سواری قهرمانی کشور برای زنان و اولین حضور زنان ایران در مسابقات دوچرخه سواری برون‌مرزی (ایسنا، ۱۳۸۹) زمینه مطالبه عمومی برای دوچرخه‌سواری زنان در فضاهای عمومی را

ایجاد نمود. در سال ۱۳۸۶ با طرح بحث آلودگی هوا و فعالیت سیستم دوچرخه‌های اشتراکی، کرایه دوچرخه‌ها به زنان با مخالفت برخی از مسئولان استان‌ها روبرو شد و محدود افرادی به حمایت از موضوع دوچرخه‌سواری زنان در سطح شهر پرداختند. این موضوع تقریباً تا سال ۱۳۹۵ در افکار عمومی از حساسیت برخوردار نبود. در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ فعالیت‌هایی از طرف وابستگان به جریان نواندیشی به منظور فرهنگ‌سازی دوچرخه‌سواری زنان و رفع موانع فرهنگی این موضوع انجام گرفت.

ترند کردن هشتگ «زنان ایرانی دوچرخه‌سواری را دوست دارند» در فضای مجازی، دوچرخه سواری گروهی از پسران و دختران تهرانی در خیابان‌های ولی عصر و انقلاب (گلستان، ۱۳۹۵) ادعای روزنامه وابسته به جریان نواندیشی درخصوص استفساریه‌ای از دفتر رهبر انقلاب مبنی بر اینکه دوچرخه سواری زنان با شرایطی جایز است (خالدی، ۱۳۹۷: ۷) انتشار مطالبی توسط روحانیون نواندیش درخصوص عدم ممنوعیت دوچرخه‌سواری زنان از نظر اسلام (فاضل میبدی، ۱۳۹۸: ۱) بخشی از این اقدامات بود. در برابر این اقدامات، وابستگان به گفتمان انقلاب اسلامی ضمن تأکید بر بعد شرعی این مساله و ضرورت تبعیت از فتوای مراجع، به تبیین دلایل ممنوعیت این مساله پرداختند.

بحث

نواندیشان دینی در شعاع راهبردهای مفصل‌بندی گفتمان خویش تلاش نمودند بر محور دال مرکزی «عدم قطعیت احکام اجتماعی اسلام» و بهره‌گیری از دو دال «برابری حقوق زنان با مردان» و «آزادی از محدودیت‌های تکلیف‌گرایی دینی» به ایدئولوژی سازی و تولید معنا برای دال‌های مطرح در گفتمان انقلاب بپردازند و برای زن ایرانی هویتی جدید ایجاد نمایند و جهان اجتماعی را بر اساس این معانی نوین در قالب گفتمان نواندیشی دینی بسازند.

بر همین اساس نواندیشان به جای معنای تثبیت شده دال شناور «برابری حقوق زنان با مردان» در گفتمان انقلاب اسلامی، به تولید معنایی جدید برای این دال پرداختند. در گفتمان انقلاب اسلامی «برابری حقوق زنان با مردان»، نه به معنای تشابه حقوق زنان با مردان بلکه به معنای بهره‌مندی زنان از حقوق انسانی متناسب با وضع طبیعی و فطری، نیازها، استعدادها و رسالت یک زن، مفصل‌بندی شده است (مطهری، ۱۳۸۲: ۲۲-۱۶). نواندیشان در معنایی نزدیک به گفتمان مدرنیته، برابری حقوق زنان با مردان را به معنای تشابه آنان با یکدیگر دانسته و برخلاف گفتمان انقلاب اسلامی، در گفتمان نواندیشی، شباهت زنان با مردان در سبک پوشش، رفتارهای اجتماعی و نحوه حضور در اجتماع در زنجیره هم‌ارزی با برابری حقوق قرار گرفت.

دال شناور «آزادی زنان» دومین دال مفصل‌بندی شده در گفتمان نواندیشی بود. در حالی که در گفتمان انقلاب اسلامی «آزادی زنان» متأثر از دو مفهوم آزادی اجتماعی و آزادی معنوی در اسلام است (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۷) و بر محور دال مرکزی «حفظ عفت و دینداری» به عنوان موهبتی که برای انجام تکالیف الهی به زنان اعطا گردیده (سعیدیان جزئی و یراقی، ۱۳۹۳: ۱۴)، تعریف می‌شود، نواندیشان با تکیه بر مبانی فکری گفتمان نواندیشی به واسازی تعریف آزادی زنان در گفتمان انقلاب اسلامی و هویت بخشی به مفهوم آزادی زنان در گفتمان نواندیشی دینی پرداختند. آنان آزادی حقیقی زنان را «آزادی از محدودیت‌های تکلیف‌گرایی دینی» عنوان نمودند و عدم توجه به این دال در مفصل‌بندی هویت زنانه گفتمان انقلاب را عامل شکل دهنده بخش مهمی از نارضایتی‌های زنان از وضعیت موجود معرفی کردند. نواندیشان دینی این گونه تصویر کردند که ترقی و پیشرفت زنان در ابعاد فردی و اجتماعی در حول دال «آزادی از محدودیت‌های تکلیف‌گرایی دینی» معنادهی می‌شود. آنان یکی از مهمترین محدودیت‌های ناشی از تکلیف‌گرایی دینی برای زنان را برخورداری از پوشش و حجاب اسلامی دانسته و در مفصل‌بندی گفتمان خود، حفظ عفت و دینداری برای زنان را در زنجیره هم‌ارزی حجاب و پوشیدگی، عدم اختلاط با مردان، عدم پوشش لباس‌های بدن‌نما، محور نبودن زیبایی برای هویت زنانه، عدم تبرج و خودنمایی تعریف نکردند. از منظر نواندیشان، فلسفه حجاب حفظ «عفت» به عنوان یک امر درونی و یک ارزش اخلاقی است و حجاب و پوشش به عنوان یک امر بیرونی نمی‌تواند معرف عفت که یک امر درونی است، باشد. به عبارتی یک زن می‌تواند از حجاب و پوشش اسلامی برخوردار نباشد اما در عین حال از عفت و دینداری برخوردار باشد.

با توجه به مفصل‌بندی گفتمان نواندیشی دینی، ممنوعیت خوانندگی و دوچرخه سواری زنان در فضای عمومی نیز محدودیت‌هایی است که نه تنها خلاف دال برابری زنان با مردان به معنای تشابه زنان با مردان است بلکه بر پایه مبانی فکری این گفتمان و به ویژه دال «حق‌مداری به جای تکلیف‌گرایی» محروم نمودن زنان از حقوق خویش و مانعی در برابر فعالیت‌های اجتماعی زنان می‌باشد. بر این اساس نواندیشان تلاش نمودند با تثبیت معنای دال «آزادی از محدودیت‌های تکلیف‌گرایی دینی» برای دال شناور «آزادی زنان»، در رفع این محدودیت‌ها بکوشند و با بهره‌گیری از تکنیک برجسته‌سازی در گفتمان، مطالبه رفع ممنوعیت خوانندگی و دوچرخه سواری زنان را به مطالبه‌ای عمومی در سطح جامعه تبدیل کنند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در چارچوب تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه به تحلیل سخنان و عملکرد وابستگان به

گفتمان نواندیشی دینی در رابطه با هویت زنانه پرداخت و تصویری از چگونگی مفصل‌بندی هویت زنانه در گفتمان نواندیشی ارائه کرد.

با توجه به اینکه از نظر لاکلائو و موفه، گفتمان محدود به گزاره‌های زبانی نیست بلکه هر امر و پدیده غیر زبانی ممکن است به یک پدیده گفتمانی تبدیل گردد، در تحلیل گفتمان نواندیشی شاهد آن بودیم که نواندیشان در دو بعد زبانی و غیرزبانی به واسازی هویت زنانه گفتمان انقلاب اسلامی و مفصل‌بندی هویت زنانه خود پرداختند.

نواندیشان ابتدا برای واسازی هویت زنانه گفتمان هژمون انقلاب اسلامی، در سخنرانی‌ها، مقالات و کتاب‌ها، هویت زنانه گفتمان انقلاب را با عناوین «ظلم به زنان»، «قید و بندهای ناعادلانه»، «اسطوره‌های بودن»، «تفاسیر مردسالارانه از دین» و به ویژه «زن را در حاشیه قرار دادن» معرفی نموده و بیان کردند که دال گفتمانی «عفت و دینداری» زنان را از کسب موقعیت‌های اجتماعی برابر با مردان و حضور فعال در بسیاری از عرصه‌های فعالیت اجتماعی باز می‌دارد.

پس از تلاش برای به حاشیه‌رانی دال‌های هویت زنانه گفتمان رقیب، مبانی فکری گفتمان نواندیشان دینی مطرح شد تا فضای فکری و اندیشه‌ای جامعه آرام آرام برای مفصل‌بندی دال‌های هویت زنانه گفتمان نواندیشی فراهم گردد. طرح مباحث «موقتی بودن احکام شرع»، «ضرورت اجتهاد در مبانی دین»، «حق مداری انسان عصر جدید به جای تکلیف‌گرایی» و «نسبی بودن عدالت» در نشریات، روزنامه‌ها و سخنرانی‌های وابسته به جریان نواندیشی در این راستا انجام پذیرفت. به عبارتی نواندیشان با بهره‌گیری از شالوده‌شکنی؛ وحدت، تعیین کنندگی یکجانبه و خودبینانی گفتمان انقلاب را در معرض پرسش قرار دادند و از لحظه‌ای که به غیریت‌های سرکوب شده جریان نواندیشی دینی امکان خوداظهاری داده شد از همان لحظه خود را نشان داده و تلاش برای مفصل‌بندی هویت زنانه نواندیشی را با تاکید بر دال‌های «برابری حقوق زنان با مردان» و «آزادی از محدودیت‌های تکلیف‌گرایی دینی» آغاز کردند.

تحلیل گفتمان نواندیشی دینی نشان داد عملکرد غیرزبانی وابستگان این گفتمان در جهت مفصل‌بندی هویت زنانه در دامنه‌ای وسیع صورت گرفته است. طرح مطالبات نوین زنان در سطح جامعه به ویژه در رابطه با سه موضوع حجاب و نوع پوشش، خوانندگی و دوچرخه‌سواری زنان در فضای عمومی، از جمله عملکردهای غیرزبانی گفتمان نواندیشی در جهت مفصل‌بندی هویت زنانه می‌باشد. به عبارتی گفتمان نواندیشی تلاش نمود با ایدئولوژی‌سازی و تولید معنا نقص هویتی خود را رفع نموده و معنای خود را هر چند موقت بر گفتمان انقلاب اسلامی برتری دهد.

در مجموع می‌توان گفت مساله اصلی وابستگان به گفتمان نواندیشی دینی در نسبت با گفتمان انقلاب اسلامی در دال «عفت و دینداری» ظهور پیدا می‌کند که به اعتقاد نواندیشان علاوه بر آنکه موجب نابرابری حقوق زنان با مردان و ایجاد محدودیت‌های نابجا برای زنان شده، سهولت دین اسلام را خدشه‌دار ساخته و با روح کلی دین اسلام و پیام حرکت پیامبر اسلام(ص) که رفع نابرابری علیه زنان بوده تناسب ندارد.

- Agha Hosseini, A. (2017). *Discourse and Acceptance of the Other*. Isfahan: Isfahan University Press. (In Persian).
- Alavi Tabar, A. (1999). New religious thinking and Women's Jurisprudence. *Women's Monthly*, 8(58), 36-38. (In Persian).
- Alavi Tabar, A. (2003). The issue of women, New religious thinking and feminism. *Aftab Monthly*, 3(24), 38-41. (In Persian).
- Dabirimehr, A. & Tabatabai Fatemi, M. (2014). Laclau and Mouffe's Theory of Discourse. *Journal of Novel Applied Sciences*, 3(11): 1283-1287.
- Daneshjoo. (2014). Women's singing was also released. How could someone who does not have permission to publish an album hold a concert?. *Daneshjoo News Agency*, 2014/6/1, <https://snn.ir/fa/news/350946>. (In Persian).
- Fazel Meybodi, M. T. (2019). Women's oppression. *Etemad Newspaper*, 15/5/2019, (4433), 1. (In Persian).
- Ghabel, A. (2003). Women's clothing. *Ahmad Ghabel's website*, <http://www.ghabel.net>. (In Persian).
- Golestan (2016). Promoting prostitution in Tehran/Women cycling is not permissible according to Islamic law. *Golestan News Agency*, 2016/5/23, News Code: 31539, www.golestan24.com. (In Persian).
- Hashemi Rafsanjani, A. (2000). *Women and Social Justice*, Tehran: Safire Sobh. (In Persian).
- Hosseini Pakdehi, A. & Zardar, Z. (2011). Representation of the concept of citizenship in the Iranian press: Critical discourse analysis of editorials of the newspapers Kayhan, Iran, Resalat, Etemad, Shargh and Aftab Yazd. *Quarterly Journal of Social Sciences*, (53), 95-135. (In Persian).
- Howarth, D. (2013). *Postmodernism and after: Structure, Subjectivity and Power*. Palgrave Macmillan.
- Iranian Students (2013). Music House Spokesperson Resigns After Controversial Statements, *Iranian Students News Agency*. 2013/10/22, <https://www.isna.ir/news/92073018636>. (In Persian).
- Isna (2010). The first medalist in women's cycling: I have been beaten on the roads! Not going to Guangzhou hurt us. *Isna News Agency*, 2010/11/5, News Code: 07225-8908, <https://www.isna.ir/news/8908-07225>. (In Persian).

- Jorgensen, M. & Phillips, L. J. (2002). *Discourse Analysis as Theory and Method*. London: Sage.
- Kadivar, M. (2003). Religious Innovation and Women's Rights. *Monthly magazine Baztabe Andisheh*, (47), 53-59.(In Persian).
- Kasraei, M.S. & Pouzesh Shirazi, A. (2009). Laclau and Mouffe's Discourse Theory as an Efficient Tool in Understanding and Explaining Political Phenomena. *Quarterly Journal of Politics*, 39(3), 339-360.(In Persian).
- Khaledi, H. R. (2018). Can women also help the politics of the new mayor of Tehran, saving Tehran by pedaling. *Etemad Newspaper*, 2018/12/13, (4321), 7.(In Persian).
- Khezr Heydari, F. (2008). Exclusive interview of Etemad Melli with Grand Ayatollah Sanei. 2008/2/6, *Information website of the office of Grand Ayatollah Sanei*, <http://saanei.xyz>.(In Persian).
- Kowsari, M. & Tafreshi, A. A. & Alavi Neko, M. S. (2017). Imam Khomeini and the Construction of Female Identity in the Islamic Revolution: How to Deconstruct the Second Pahlavi Discourse and the Semantic Hegemony of Imam Khomeini (RA). *Woman in Development and Politics*, 15(3), 327-357. (In Persian).
- Laclau, E. (1990). *New Reflections on the Revolution of Our Time*. London: Verso.
- Malekian, M. (1990). Religious Innovation and the Issue of Women. *Monthly magazine Baztabe Andisheh*, (4), 26-34.(In Persian).
- Masoudi, O. A. (2019). Understanding the actions of women activists in the "White Wednesdays" campaign. Case study: Instagram social network, 2018. *Communication Research*, 27(101), 123-142.(In Persian).
- Mohseni Abolkheiri, A. & Hazeri, A. M. (2019). Analysis of the Discursive Conflicts over the "Hijab" in the Islamic Republic Period (1981-1993). *Political Thought in Islam*, (19), 83-104.(In Persian).
- Mohseni Tabrizi, A. (2016). *Qualitative Research Method in Interpretive Schools*. Tehran: ettelaat Publications.(In Persian).
- Mojtahedi Shabestari, M. (1995). Three Types of Knowledge in Three Realms. *Critique and Comment*. 2(5), 296-300.(In Persian).
- Mojtahedi Shabestari, M. (2000). *A Critique of the Official Reading of Religion (Crises, Challenges, Solutions)*. Tehran: Tarh-e-No.(In Persian).

- Mojtahedi Shabestari, M. (1999). Women, Book and Tradition. *Women's Monthly*, 8(57), 17-22.(In Persian).
- Motahari, M. (2003). *Women's Rights System in Islam*. Tehran: Sadra Publications.(In Persian).
- Motahari, M. (2010). *Spiritual Freedom*. Qom: Sadra Publications.(In Persian).
- Namjoo, A. (2010). The Mystery of a Forbidden Voice. *Hamdeli Newspaper*, (1413), 2010/2/16. (In Persian).
- Qabel, H. (2019). Fazel Meybodi and Hadi Qabel discuss women's singing from the perspective of religious authorities. *Ensaf News analytical news site*. 2019/3/9, <http://www.ensafnews.com/234255>. (In Persian).
- Raghebi, M. (2005). The Face of Iranian Women in Foreign Press. *Women's Message Monthly Magazine*, 14(157), 118-133. (In Persian).
- Saeedian Jazi, M. & Yaraqi, S. (2014). Analysis of the relationship between women and freedom in Islam compared to the West based on the views of Ayatollah Khamenei. *Wisdom of the Ahlul Bayt (peace be upon them)*, 2(3), 11-24.(In Persian).
- Shirafkan, A. (2013). Faezeh Hashemi in conversation with Shargh: I voted so that I would not be a voter, *Shargh Newspaper*, (1815), 2013/8/25, 14.(In Persian).
- Shirazi Romanan, H. (2008). What is and how is qualitative research using the discourse analysis method. *Strategic attitude*, (93-94), 71-94. (In Persian).
- Soroush, A. (1998). Intrinsic and contingent in religion. *Kian Magazine*, (42), 4-19.(In Persian).(In Persian).
- Soroush, A. (1999 a). Restricting and expanding women's rights. *Women's Monthly*, 8(59), 32-37.(In Persian).
- Soroush, A. (1999 b). Jurisprudence in the Balance: A Few Questions Asked by His Eminence Ayatollah Montazeri. *Kian Magazine*, 9(46), 14-21.(In Persian).
- Soroush, A. (1997). *Tolerance and Management*. Tehran: Sirat Cultural Institute.(In Persian).
- Tajik, M. R. (1990). *Discourse and Discourse Analysis*. Tehran: Farhang Gofman. (In Persian).
- Talebian, H. & Talebian. S. (2017). Women and Activism in Social Media: A Case Study: The Facebook Page of Women's Secret

Freedom. *Women in Development and Politics*, 15(2), 205-222.(In Persian).

Thomassen, L. (2016). Hegemony, populism and democracy: Laclau and Mouffe today (review article). *Revista Espanola Ciencia Political*, 40: 161-176.

Yousefi Ashkevari, H. (2012). Interview with Hassan Yousefi Ashkevari, *Green Way Movement website*. <http://www.rahesabz.net>.(In Persian).